



مجید حسینیداستان نویسن

در مطالبی که پیش از این درباره داستان نویسی و مباحث مربوط به آن نوشتیم، اشاره‌ای هم به «موضوع» داستان کردیم. گفتیم موضوع آن مفهومی است که داستان درباره‌اش نوشته می‌شود. این مفاهیم تعدادی مورد مشهور را دربر می‌گیرد، مانند فقر، جنگ، عشق، مرگ، ترس، تنهایی و جز این‌ها. هر یک از موضوعات خود می‌تواند زیرمجموعه‌هایی داشته باشد، برای نمونه، عشق داستان‌هایی با موضوع عشق به یک غریبه، عشق به فرزند و... را شامل می‌شود. نکته بسیار مهمی که در زمینه بحث پیش رو باید به آن باریک شد و فراموشش نکرد، این است که موضوع ما باید همه روابط و رویدادهایی را که در داستان می‌آفرینیم، پیرامون خود شکل دهد. اگر داستان درباره جنگ است، باید هر اتفاقی که برای شخصیت‌ها می‌افتد و هر رابطه‌ای که میان آن‌ها با یکدیگر یا میان آدم‌ها با محیط و اشیا برقرار می‌شود، به نوعی به جنگ ربط پیدا کند. ولو غیرمستقیم. همچنین باید دانست که موضوع خوب و بد معنا ندارد، آنچه وجود دارد پرداخت خوب و بد است. اگر بخوایم روشن‌تر توضیح دهیم بایدگفت‌که نوشتن از ترس و عشق و فقر به خودی خودنه ارزشی به داستان ما می‌دهد و نه آن را از ارزش تهی می‌سازد، بلکه موفقیت در ارائه داستانی که بر محور این موضوعات نگاشته می‌شود اهمیت دارد. این یعنی ما باید دانش و مهارت خود را در نوشتن داستان آن قدر افزایش دهیم که بتوانیم درباره موضوع دلخواهمان داستان قدرتمند و تأثیرگذار بنویسیم. موضوع چنان که مصطفی مستور می‌گوید: «اغلب پاسخی است به این پرسش: داستان درباره چه بود؟ مثلا موضوع داستان اندو نوشته آنتون چخوف، مرگ فرزند است یا موضوع داستان گردن بند - مویاسان - امانت داری است. جمال میرصادقی در کتاب‌های آموزشی‌اش تعریف‌های دیگری هم از موضوع به دست می‌دهد. مثلا آن را قلمرویی می‌داند که در آن خلاقیت می‌تواند درون مایه خود را به نمایش بگذارد. این نویسنده پیش‌کسوت از این لحاظ داستان‌ها را به پنج گروه تقسیم می‌کند. داستان واقع‌گرا (میرصادقی آن را داستان واقعی نام گذاشته که به باور نگارنده این یادداشت، عنوانی دقیق نیست) یکی از انواع داستان بر مبنای موضوع است.

این آثار بازتابی از واقعیت‌های زندگی انسان‌هاست و منطق آن نیز شبیه منطق جهان واقعی است، از همین روست که آثار واقع‌گرا از موضوعات فراواقعی مانند آنچه به جادو و دیو و غول و... ربط دارد، دوری می‌کند. از معرفی‌ترین نویسندگان واقع‌گرا باید به آنتون چخوف و ارنست همینگوی اشاره کرد. نوعی دیگر از داستان، آثار حادثه‌پرداز است. این نوشته‌ها اگرچه در بسیاری از مواقع در ظاهر واقع‌گرایانه است یعنی خیلی وقت‌ها (حتی شاید در بیشتر موارد) سراغ جادو و جنبل و اشباح و قدرت‌های ماورایی نمی‌رود. از لحاظ باورپذیری شبیه کارهای واقع‌گرایانه نیست و بر ماجراهای نادر تکیه دارد.

داستان حادثه‌پرداز معمولا رویدادهایی بیرونی و ملموس دارد (نویسنده کمتر وارد ذهن شخصیت‌ها می‌شود و بیشتر اتفاقات عینی را روایت می‌کند) و برخورداری از کشش و گیرایی برای جذب خواننده جزو ویژگی‌های آن است. اُ. هنری و سامرست موام و گی دو مویاسان از نویسندگان این آثار به شمار می‌آیند. گروه بعدی، داستان‌های وهمناک است که در آن شاهد رویدادهایی عجیب و مرموز بر بستر توهم راوی یا شخصیت‌های داستان هستیم. منطق و توجیه این داستان‌ها مبنای روان‌شناختی دارد. ادگار آلن پوی آمریکایی و در ایران غلامحسین ساعدی کارهایی از این دست نوشته‌اند.

مورد بعدی، داستان‌های خیال و وهم یا فانتزی است. بنیاد این نوشته‌ها بر دوری از واقعیت جهان بیرونی گذاشته شده و خواننده در آن‌ها با جادو و جن و پری و موجودات عجیب و غریب روبه‌رو می‌شود. موضوع این آثار نوع پیشرفته همان افسانه‌های کهن است که با اصول فنی داستان امروزی نوشته می‌شود. البته دوری از واقعیت جاری به معنای بی‌محتوایی این داستان‌ها نیست و حتی با روایت ماجراهای اغراق‌آمیز و تخیلی محض هم می‌توان پیام‌های انسانی و ارزشمند ارائه کرد. داستان‌های خیال‌انگیز جی. آر. آر. تالکین و نوشته‌های دانش‌بنیاد (علمی تخیلی) ژول ورن یا آثار فراواقعی فرانتس کافکا از نمونه‌های مشهور ادبیات داستانی فانتزی است.

آخرین گروه داستان بر پایه موضوع، آثار واقع‌گرای جادویی است. این آثار چنان‌که از ناامان برمی‌آید، آمیزه‌ای است از داستان واقع‌گرا و کارهای حوزه خیال و وهم. نویسنده این نوشته‌ها برخوردی به‌ظاهر واقع‌گرایانه با امور ماورایی و شگرف دارد یعنی با این اتفاقات و امور غیرواقعی به‌مثابه امور عادی روبه‌رو می‌شود طوری که انگار دارد اتفاقی معمولی و بدیهی را روایت می‌کند. از نویسندگان مشهور این داستان‌ها گونتر گراس آلمانی و برخی نویسندگان آمریکای لاتین همچون گابریل گارسیا مارکز و خورخه لوییس بورخس هستند.

***در نگارش این مطلب از منابعی چون «عناصر داستان. جمال میرصادقی. انتشارات سخن. چاپ سوم، ۱۳۷۶، و «واژه‌نامه هنر داستان نویسی، جمال میرصادقی و میمنت میرصادقی (ذوالقدر). انتشارات کتاب مهناز. چاپ اول، ۱۳۷۷، و «مبنای داستان کوتاه. مصطفی مستور. نشر مرکز. چاپ اول، ۱۳۷۹، بهره برده شده است.**

زین قنډپار

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

❗ ممکن است در موارد معدودی در کتابی با نشانهٔ دوستاره(**) برخورد کرده باشید. دوستاره نشانهٔ یادآوری است. درواقع، گاهی نویسنده معنای واژه‌ای را در صفحه‌های پیشین در پاروقی آورده است که برای پرهیز از تکرار آن توضیح یا گذاشتن علامت‌دو ستاره در کنار آن به خواننده یادآوری می‌کند که توضیح این واژه را در صفحات پیشین بخواند. شاید این کاربرد چندان رایج نباشد؛ اما دانستن آن بد نیست.

#زین-قنډپارسی

دست‌انداز های طنزانه!

گپ و گفتی با مجید رحمانی صانع، شاعر و طنزپرداز مشهدی

محبوبه عظیم‌زاده

گفت‌وگو

آیا می‌توانیم بگوییم در جامعه ما از مقوله طنز خوب استقبال می‌شود و آیا می‌توانیم بگوییم این استقبال به دلیل وجود کم و کاستی‌ها و دردها و تلخی‌هایی است که در جامعه وجود دارد و در یک شعر یا متن طنز به آن اشاره می‌شود؟ طنزی که رسالتی به دوش دارد و فاصله دارد از فکاهه و فقط خندیدن و خنداندن و حتی برخی اوقات می‌شود طنز تلخ و هیچ قصد انتهاج هم در آن مطرح نیست. مجید رحمانی صانع، شاعر و طنزپرداز، معتقد است مردم ایران ذاتا افراد شوخ طبعی هستند و در محاورات روزمره هم این موضوع را شاهد هستیم. مسلما وقتی با سوزه‌های طنز روبه‌رو می‌شوند استقبال می‌کنند. به‌ویژه وقتی با زبان شعر بیان می‌شود این استقبال دوچندان می‌شود. حرف دلشان هم که مشکلات زندگی جامعه امروزی است کم نیست.

شاید او را با حضورش در برنامه قندپهلو به خاطر بیابورید، برنامه‌ای که شعر و شاعران طنز را به چالش می‌کشید یا با سروده‌هایش در نشریاتی چون «بچه‌مشد، یا «ستون آزاد»، هر دو کتاب «دست‌انداز، و «اشعار ۲۰۰۳۰، مجید رحمانی صانع، جزو تازه‌های نشر محسوب می‌شوند و البته «اشعار ۲۰۰۳۰، خیلی خیلی داغ‌تر است.

کتاب‌هایی که بهانه‌ای شد برای گف‌ت‌و‌گو با این شاعر مشهدی تا او برایمان از خودش بگوید و کتاب‌هایش.

● از شاخص‌های ادبی نیز باید در راستای غنی‌تر شدن

سخن استفاده کرد

شعر طنز خوب، شعر طنز دغدغه‌مند است، اما آیا همین کافی است؟ رحمانی صانع همان ابتدا درباره رسالت شعر و شاعر طنز می‌گوید: «شعر طنز خوب علاوه بر دارا بودن شاخص‌های ادبی، باید برآمده از درد اجتماع باشد. طنز-نویس باید آگاهی کاملی از کمبودها و نابرابری‌های جامعه داشته باشد. منظوم از شاخص‌های ادبی هم فقط این نیست که از عروض و قافیه سالم برخوردار باشد، بلکه شاعر باید سعی کند از آرایه‌های ادبی نیز در راستای غنی‌تر شدن سخن خود استفاده کند. این بحث اتفاقا موضوع پایان‌نامه من در دوره کارشناسی ارشد بود. در آنجا نمونه‌های زیادی از آرایه‌های ادبی کار طنزان جدید و قدیم را آوردم، کاری که ابراز امیدواری می‌کند بتواند روزی آن‌ها را هم در قالب کتابی به چاپ برساند و البته می‌گوید با اوضاع نشر کنونی بعید به نظر می‌رسد.

● طنز برای فیزیک و شیمی و جبر همان کلیشه شاعر طنز و آدم جدی درباره او هم صدق می‌کند، برخلاف آنچه در ذهن عموم نسبت به یک شاعر طنز وجود دارد که انتظار دارند با فردی غیرجدی و به‌شدت بذله‌گو روبه‌رو شوند، مجید رحمانی صانع در زندگی شخصی‌اش به شدت آدم متفاوتی است.

خودش می‌گوید: «در زندگی شخصی به‌شدت جدی هستم. شاید از حد معمول هم بیشتر. در جمع‌های ناآشنا کاملا سکوت اختیار می‌کنم. اما در جمع‌های دوستانه و خانوادگی وضع کمی فرق می‌کند. بذله‌گو هستم؛ اما نه به آن معنای مرسومش، بر عکس همراه با جملات دوپهلو و کنایه‌آمیز گهگاه چیزی می‌پرانم! همان‌طور که در شعرها می‌بینید، این علاقه‌مندی به طنز و شعر با هم به‌سراغ‌او آمدند:



در آیین افتتاح کتابخانه سیار «بیک دانایی ۸» با حضور مسئولان استانی شهری و استانی مطرح شد

رسانه‌ای قوی‌تر و مؤثرتر از کتاب وجود ندارد

گروه فرهنگ و ادبیات

خبر

آیین افتتاح کتابخانه سیار «بیک دانایی ۸، شهرستان مشهد با حضور محسن داووری، معاون استاندار و فرماندار شهرستان مشهد، حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر سبزیان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی و جمعی از مسئولان در فرمانداری شهرستان مشهد برگزار شد. به گزارش «شهرآر»، در ابتدا محسن داوری، معاون استاندار و فرماندار شهرستان مشهد، با بیان اینکه هفته کتاب مختص به یک بازه زمانی نیست، گفت: «ما باید هر روز را روز کتاب بدانیم، چرا که امروز

گرفت تا آن‌را با هزینه شخصی‌اش به چاپ برساند. کتابی با عنوان «اشعار ۲۰۰۳۰، که قالب آن یک خط خبر است و در ادامه، شعری در رابطه با آن می‌آید. این کتاب از دو بخش تشکیل شده، بخش اول «سرخ‌خط اشعار، که شامل اشعار کوتاه است و بخش دوم، «مشروح اشعار، که شامل اشعار بلند است.

● دست‌اندازهای ویژه!

دست‌انداز البته دست‌اندازهای ویژه‌تری هم دارد. «غزلیات»، «نقیضه‌ها»، «محاوره‌ای‌ها»، «سپیدنمایی» و «دست‌اندازهای کوچک، و یک بخش دیگر که شامل سروده‌هایی است با لِهجه مشهدی با عنوان «محلی جات»؛ «پسر دُرَدینه مشت‌ی صفر/ وختی خواستش بره تیرون به سفر/ ننه‌ش آمد و بهش گفت که پسر/ مُگیت یک چیزی از یادت ببر/ اگه تیرون به کسی تو سر زدی/ رسیدی به خانه‌شان و در زدی/ نکنی دست و پاته یک دَفه گم/ اگه پرسیدن «کیه، نگي «موبوم،/ صدات یک کمکی یکن تویم/ بهشان بوگو که «واکنین، منم/ ابدینی چی دادجوابش پرسه؟/ اگه بشنفی میخندی تو بیره/ جوابش داد: «ای به‌فریون ننه‌م/ حالا

فرضا بهشان یگم منم/ وقتی در رو کنن رسوا مُرم/ مو ر میشنسن، مفهمن که موبوم، البته المان‌های مشهدی در بخش‌های دیگری از این کتاب هم به چشم می‌خورد. مثل جایی که پای برج سلمان و آتش‌سوزی آن به میان می‌آید. جایی که شاعر می‌گوید: «مکن نامهربانی نامسلمان/ دل ما را تو سوزاندی به قرآن/ نگفتی با خودت شاید از این دل بیفتد آتشی در برج سلمان،

● کار طنز و غیرطنز در کنار هم

علاوه بر این‌ها، «لی‌لی‌حوضک، کتابی است در حوزه شعر کودک که با زبانی طنز و رویکردی آموزشی چند

سال پیش همراه با سی‌دی و به‌صورت مولتی‌مدیا



منتشر شد. او اکنون نیز در حال جمع‌بندی بخش دیگری از سروده‌های طنزش است که طی چند سال در سیمای خراسان رضوی برای برنامه‌طبع طنز نوشته بود. حضور پررنگ اشعار طنز در کارنامه مجید رحمانی صانع البته به این معنا نیست که او کار غیر طنز انجام نداده یا تعلق خاطر و علاقه‌ای به آن ندارد. او کارهای جدی و عاشقانه‌نیز دارد که به‌قول خودش دلی هستند و قصد انتشار آن‌ها را ندارد.

● تعطیلی شب شعرها و نشریات طنز به شعر طنز آسیب وارد کرده است

وجود محافل شعرخوانی مؤثر و شب‌شعرها به‌اضافه گرایش شاعران به سمت فضای مجازی، هر دو، نکاتی است که در روزگار اخیر در میان صحبت‌های شاعران و اهل شعر زیاد به آن اشاره می‌شود. نکاتی که پای آن‌ها در گفت‌وگو با رحمانی صانع نیز به‌میان آمد و وقتی از او درباره وضعیت شعر و شاعران طنز پرسیدیم گفت: «در هر حوزه هم هنرمند خوب داریم و هم افرادی که دارند در آن وادی به‌نوعی دست‌وپای می‌زنند. این‌مختصر به شعر نیست. در سینما و موسیقی هم وضع به همین منوال است. در

سال‌های گذشته ما طنزپردازان خوب کم نداشته‌ایم. با شکل‌گیری شب‌شعرهای طنز شاعران بیشتری به این سمت آمدند. اما در چند سال اخیر به نظرم کمی افت داشته‌ایم، افتی که دلیلی آن را این‌گونه توضیح می‌دهد: «دلیل آن هم کاملا مشخص است. تعطیلی همان شب‌شعرها، تعطیلی نشریات طنز و به تبع آن کوچ شاعران به سمت فضای مجازی. فضای مجازی هم که آسیب‌های خودش را دارد. وضعیت کتاب‌ها هم به همین صورت است. از همان شاعران خوب و کاربلد، کتاب‌های وزین و شایسته‌ای داریم که به چاپ‌های چندم هم رسیده‌اند.»



شده است کتابخانه‌های سیار با مراجعه به دست‌کم پنج روستا در واقع کار پنج کتابخانه مستقر را انجام می‌دهد. امروز خراسان رضوی و به‌ویژه شهرستان مشهد در میان کلان‌شهرهای کشور در این حوزه از جایگاه بالایی برخوردار است.»

همچنین در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین سید شهاب‌الدین نوری، رئیس شورای اسلامی شهرستان مشهد، جواد شاد، مدیرکل حج و زیارت استان خراسان رضوی، ابراهیم رسولی‌مقدم، معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری مشهد و اعضای انجمن کتابخانه‌های عمومی شهرستان مشهد و بخش‌رضویه حضور داشتند.

قدیم‌ترها پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها تنها زندگی نمی‌کردند. آن‌ها بیشتر در خانواده و کنار فرزندان و نوه‌هایشان بودند، اما حالا دیگر این‌طور نیست. با این‌حال یکی از چیزهایی که زندگی را زیباتر و جذاب‌تر می‌کند ارتباط داشتن با آن‌ها و مراقبت از آن‌هاست. کتاب «مواظبت از مامان بزرگ شیطون» یک کتاب جذاب و هیجان‌انگیز است؛ یک داستان زیبا از تجربه یک روز شاد با یک مامان بزرگ.

راستی برای مواظبت از مامان بزرگ‌ها چه کار باید کرد، چه کار کنیم تا نه حوصله خودمان سر برود و نه او خسته شود، آخر شما که می‌دانید

مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها زود خسته می‌شوند؛ اما این کار آن قدرها هم که به نظر می‌رسد، سخت نیست؛ فقط کافی است بلد باشی کاری کنی که هم به آن‌ها خوش بگذرد و هم به خودت! مثلاً با هم به پارک بروید، کلوچه بپزید، قایم‌باشک بازی کنید، نمایش عروسکی بازی کنید و از همه مهم‌تر! اینکه می‌توانید یک عالمه کتاب بخوانید. نویسنده این کتاب زیبا، یک روز شاد و به یادماندنی را در کنار یک مادربزرگ باز یگوش و دوست‌داشتنی به تصویر می‌کشد. جین ریگان، نویسنده این کتاب است و عطیه الحسینی مترجمش و نشر «پرقال» هم آن را منتشر کرده است...

